

نمایش‌های موزیکال همیشه در برادوی با استقبال روبه‌رو بوده است. کما اینکه این نوع نمایش در اکثر کشورها نیز این‌طور بوده و هست. با اینکه ریشه‌های نمایش‌های عامه‌پسند از دوران انقلاب فرانسه شکل و شمایلی یافت اما اوج این آغاز در اواسط قرن نوزدهم در کافه‌ها تثبیت شد. کافه - کنسرت‌ها در فرانسه، محلی شد برای گذران و تناول و شنیدن و دیدن رقص و آواز و نمایش‌های کمیک و سبک که با طراحی

لباس و صحنه توأم بودند. در این ایام «روو» که اصطلاحی فرانسوی است و به نمایش‌های ساده و طنزآمیزی اطلاق می‌شد که دربارهٔ مسایل روز ترتیب داده می‌شد و با رقص و آواز همراه بود. این شکل نمایش به سرعت محبوبیت عام یافت و به انگلستان و آمریکا رفت و در آنجا مفضل‌تر و سرگرم‌کننده‌تر شد و نویسندگان معتبری چون نوتل کوارد^۱ برای آن متن نوشتند در این نمایش‌ها حوادث روز، مسایل اجتماعی روز و

حتی گاه شخصیت‌های مهم سیاسی به باد طنز گرفته می‌شدند. وودویل^۲ نیز از ۱۸۹۰ تا حدود دههٔ ۱۹۳۰ در اروپا و آمریکا یکی از سرگرم‌کننده‌ترین نمایش‌ها محسوب می‌شد وودویل در کل، شکل پالوده‌ای از مضحکه و مجموعه‌ای از بازی‌ها و آوازها، تصویرها و نمایش‌های کوتاه شادی‌آور بود. از بازی جانوران هم در این نمایش‌واره‌ها استفاده می‌شد. به بازیگران شناخته‌شدهٔ وودویل سر دسته می‌گفتند و بسیاری از سرگرمی‌های سدهٔ بیستمی از وودویل سرچشمه گرفته‌اند.

وودویل شاید ریشهٔ جنگ‌های نمایشی و بسیاری از نمایش‌های گوناگون تلویزیونی باشد. حالا این شیوه، در بحران اقتصادی آمریکا، به مدد برادوی آمد و موفق‌ترین نویسندهٔ صحنه‌های برادوی نیل سایمون^۳ (متولد ۱۹۲۷) بود. وی آثار زیادی در این زمینه نگاشت آثاری با لودگی‌های بامزه که با شخصیت‌های عجیب و غریب در هم آمیخته بود. نمایشنامهٔ پسران آفتاب^۴ در سال

فراموش‌شدگانی در باتلاق

نگاهی به نمایش «پسر طلاها» نوشته نیل سایمون
به کارگردانی مهدی مکاری

علی‌رضا احمدزاده، عضو کانون ملی منتقدان تئاتر



۱۹۷۲ توسط سایمون نوشته شد. این نمایشنامه توسط هربرت راس ۶ کارگردان آمریکایی در سال ۱۹۷۵ به فیلم تبدیل شد. اخیراً هم تله‌تئاتری از این اثر از صدا و سیما پخش شد.

و حالا مهدی مکاری این متن را با ترجمه شهرام زرگر و با نام پسر طلاها روی صحنه سالن اصلی تالار مولوی جان بخشیده است. اثر سایمون قطعاً یک اثر نمایشی وودویل نیست اما موضوع آن دو بازیگر نمایش‌های وودویل است که حالا پیر و شکسته شده‌اند و امروزه به فراموشی سپرده شده‌اند فراموش‌شدگان در باتلاق.

در جایی خواندیم که باستر کیتون در اواخر عمرش به تبلیغ صابون در تیزرهای تلویزیونی می‌پرداخت در کشور خودمان نیز تعدادی از هنرپیشه‌گان (بعضاً پیشکسوت) به تبلیغ کالاها تبلیغاتی اقدام کرده‌اند. این تراژدی غم‌انگیز از آخر و عاقبت بازیگری مخصوصاً بازیگری تئاتر، حکایت از عدم حمایت جدی از سوی دولتمردان دارد. اتفاقی که در اثر نیل سایمون به صراحت مطرح شده است.

اثر سایمون با اینکه جنبه‌های طنز چشم‌گیری دارد اما بز بستری از تیزرزدی حرکت می‌کند. اما اجرای مکاری از این اثر، جنبه‌های تراژیک را ندیده گرفته است. و صرفاً به رابطه اخلاقی دو انسان که در اوج عشق و نفرت با هم کار می‌کنند می‌پردازد. این وجه مورد نظر کارگردان هم، وجهی مهم است. تناقضات آدمی، همیشه جذاب و دراماتیک است و این گونه تنش‌ها،

ریتیمی فزاینده در متن و نهایتاً در اجرا ایجاد می‌کند با اینکه ریتم اجرایی این نمایش بعد از ورود پرستار، آفت می‌کند و قدرت ابتدا و میانه اثر را ندارد. قطعاً اثر سایمون که جنبه‌هایی از آبرورد، نیز در خود دارد - چرا که در انتهای نمایش راجع به مرگ یک هنرمند بحث می‌کنند هم چنان که در ابتدای نمایش همین بحث را داشتند - حاکی از دور باطل روابط انسانی است؛ نشان‌دهنده قدرت متن است اما گویی بازیگران نمایش توان بازی صد و ده دقیقه‌ای ندارند و روی صحنه کم می‌آورند.

سیامک صفری در حال حاضر پدیده بازیگری تئاتر کشور است و به راستی چه کسی توان این را دارد که جلوی او را بگیرد قدرت و انعطاف و بداهه‌گویی‌های وی چشم‌گیر و گاهی تکان‌دهنده است. گاه متن را فراموش می‌کند و هر چه می‌خواهد می‌گوید و انجام می‌دهد و این همه با دل‌نشینی و دلچسبی توأم است اما آیا نباید مجالی به جلوه و حضور مابقی شخصیت‌ها داد. گویی اگر سیامک صفری در صحنه نباشد صحنه خالی است در حالی که هوشنگ هیهاوند که پیش از این در آثار فاخر حضور بیشتری داشت در ایفای نقش آل لویس خوش می‌درخشد و طنزهای این شخصیت، سایمون را به درستی به رخ می‌کشد و رضا بهبودی قیراق و سرزنده با آن آمد و شده‌ها و هدایت و میزانشن‌های متنوع مکاری، کم از سیامک صفری نیست و نسیم ادبی در حضور کوتاه اما بسیار پرنرگ و پراحساس و

برانرزی‌اش، نشان از انتخاب درست کارگردان دارد. اما در میانه این سه پارت‌نر مسلط به هنر بازیگری، باز سیامک صفری است که متن را بر دوش می‌کشد.

بدیهی است با توجه به شناختی که از این بازیگر توانای کشور داریم صفری قصد کم‌رنگ شدن ارزش‌های قطعی بازیگران دیگر را ندارد اما لازم است ریتم بیانی و حرکتی بازیگران به هماهنگی برسد تا تضادهایی که در صحنه‌هایی بروز می‌کند حذف شود.

انتخاب متن نیل سایمون از سوی مهدی مکاری، متنی که به چهل سال پیش امریکا تعلق دارد نشان از فراست مکاری دارد زیرا که این متن، امروزه به مسایل مبتلا به هنرمندان جامعه ما نیز شباهت زیادی دارد. این گونه نمایشنامه‌نویسان برتر تاریخ ادبیات نمایشی ماندگار می‌شوند زیرا انگشت روی اساسی‌ترین احساسات و عواطف مشترک بشری می‌گذارند و مفاهیمی را مطرح می‌کنند که گذشت زمان از ارزش‌های آن نمی‌کاهد.

1. Revue
2. Noel koward
3. Vandeville
4. Neil Simon
5. Sunshine Boys
6. Herbert Ross

